



بیانیه انجمن روزنامه نگاران درباره تجاوز اسرائیل

انجمن صنفی روزنامه نگاران تهران با صدور بیانیه‌ای، حملات اخیر رژیم اسرائیل به ایران را محکوم کرد و با ادای احترام به شهدای این حملات ناجوانمردانه و سبانه، شهادت همکار روزنامه‌نگار، فرشته باقری (افشردی) را به خانواده او و مردم ایران تسلیت گفت. در بخشی از این بیانیه آمده است: «ملت ایران روزهای سختی را می‌گذراند؛ روزهایی آکنده از انفجارهای پیاپی و پرواز پهپادها و جنگنده‌های دشمن بر فراز شهرها. در روزهای اخیر، فرماندهان نظامی، دانشمندان هسته‌ای و مردم بی‌گناه قربانی حملات رژیم صهیونیستی شده‌اند. «انجمن با تأکید بر لزوم حفظ آرامش، همدلی و اتحاد در این شرایط بحرانی، هشدار داده است که تنها راه موفقیت دشمن، ایجاد تفرقه میان مردم است. در این بیانیه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران اظهار امیدواری کرده که روزنامه‌نگاران کشور، با وجود خطرات و محدودیت‌ها، بتوانند وظایف حرفه‌ای خود را با سلامت و تعهد ادامه دهند.



تعویق جشن سالانه منتقدان سینما

انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران از به‌تعویق افتادن پانزدهمین دوره جشن سالانه خود که قرار بود ۳۱ خردادماه برگزار شود، خبر داد. این تصمیم در واکنش به شرایط کشور و به‌منظور همدلی با سگواران و مردم داغدار کشور گرفته شده است. در بیانیه رسمی این انجمن، تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران به‌عنوان «اقدامی وحشیانه، ضدانسانی و جراحی‌ بر پیکر حقیقت» به‌شدت محکوم شده و آمده است: «سکوت در برابر این فاجعه، خیانت به واژه، به هنر و به شرافت انسان است.» انجمن با تأکید بر اینکه زمان کنونی، مجالی برای جشن نیست، اعلام کرده است برگزاری این مراسم فرهنگی و هنری به زمانی موکول خواهد شد که فضای‌ای گرامیداشت هنر و همدلی با مردم مهیاتر باشد. در پایان این بیانیه، بر ایستادگی در کنار حقیقت، تسلیت به دل‌های داغدار و وفاداری به‌نام بلند انسانیت و ایران سرافراز تأکید شده است.



محکومیت اسرائیل از سوی هنرمندان پیشکسوت

بیش از ۱۰۰ نفر از اعضای مؤسسه هنرمندان پیشکسوت با امضای بیانیه‌ای، تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی به خاک ایران را به‌شدت محکوم کردند. این هنرمندان که از حوزه‌های سینما، تئاتر، تلویزیون، موسیقی، هنرهای تجسمی، ادبیات، شعر، معماری و صنایع دستی هستند، ضمن تسلیت شهادت مردم، فرماندهان و دانشمندان ایرانی، خواستار «ضربه‌ای قاطع» در پاسخ به این اقدامات شدند. در متن این بیانیه، با استناد به آموزه‌های حکمی سعدی آمده است: «مدارای دشمن به از کارزار، لیکن چون دست از همه حیلتی درگسست، حلال است بردن به شمشیر دست». هنرمندان پیشکسوت در ادامه تأکید کرده‌اند که از دست دادن بهترین فرزندان این سرزمین را نمی‌توان بی‌پاسخ گذاشت. در پایان این بیانیه آمده است: «ما کهنسالان عرصه هنر، با وجود دل‌های آرام، سری برافراشته از غیرت و انتقام بر دوش می‌کشیم. تسلیت بر این فقدان و مبارک باد وصال‌شان به خیل شهیدان.»

فرهنگ

CULTURE

۱۴

تصویر جنگ



تکس: زهرا اصغری / ایستنا

روایت بدون مولف

تحلیلی بر استانداردهای روایی وفنی در **روایت فتح** و ثبت وقایع جنگ این‌روزها با موبایل

در درجه دوم اهمیت قرار داشت. آن‌ها می‌دانستند که رویدادی مهم جلوی چشمان‌شان در حال وقوع است و می‌خواستند این رویداد را روی سلولوئید ثبت کنند تا از سپرده شدن آن به فراموشی جلوگیری کنند. این رویکرد، که می‌توان آن را نوعی «سینما وریته» دیر هنگام در ایران دانست، هیچ سختیتی با چیدن اتفاق جلوی دوربین نداشت؛ رویداد مستقل از فیلمساز رخ می‌داد و هوشمندی فیلمساز در این بود که بداند چگونه با آن همراه شود. این گسست، پیامدهای دوگانه‌ای داشت. از یک سو، باعث شد افراد تازه‌کاری دوربین به‌دست بگیرند که در میان آنها استعدادها و نگاه‌های نو کم نبود. اما از سوی دیگر، این گسست سبب شد که سینمای این دوره از ضعف نظری و فقر تجربه فیلمسازی زبان ببیند. این تغییر پارادایم، یک شکاف معرفت‌شناختی در مستندسازی ایران ایجاد کرد. کارکرد سینما از یک ابزار هنری، به ابزاری برای شهادت بر یک رویداد تاریخی مقدس تغییر یافت. این تغییر صرفاً در موضوع نبود، بلکه در خود هدف فیلمسازی بود. دوربین دیگر برای خلق زیبایی یا انتقال دانش به کار نمی‌رفت، بلکه به محملی برای شهادت دادن تبدیل شده بود. این وضعیت، خلأیی تئوریک و تجربی به‌وجود آورد که بعدها، آثار مرتضی آوینی تلاشی برای پر کردن آن بود؛ نه با بازگشت به زیبایی‌شناسی نخبه‌گرای پیشین، بلکه با خلق یک زیبایی‌شناسی نوین که ریشه در جهان‌بینی معنوی و ایدئولوژیک داشت. بنابراین جنگ صرفاً یک موضوع برای سینما نبود، بلکه رویدادی بود که معرفت‌شناسی سینمای مستند ایران را شکست و از نو بنا نهاد. مجموعه مستند «روایت فتح» یک پدیده منفرد در تاریخ سینمای ایران نیست، بلکه نقطه اوج یک مسیر تاریخی، فکری و سینمایی مشخص است.

▼ سیر فکری مرتضی آوینی

سیدمرتضی آوینی، چهره محوری روایت فتح، شخصیتی پیچیده با یک سیر تحول فکری عمیق بود. او پیش از انقلاب، فردی با تحصیلات معماری و علاقه‌مند به هنر، شعر، موسیقی و فلسفه بود و به گفته خودش و دیگران، با سبک زندگی روشنفکری ناآشنا نبود. او در این دوران، هم با قرآن و مثنوی معنوی انس داشت و هم با تفکرات غربی. این دوره از زندگی او را می‌توان دوره‌ای از آزمون و خطا و جست‌وجوگری فکری دانست. انقلاب اسلامی نقطه عطفی در زندگی آوینی بود. او در یک حرکت نمادین، تمام نوشته‌های پیش از انقلاب خود را که حدیث نفس می‌دانست، سوزاند و تصمیم گرفت دیگر از خود سخنی به میان نیاورد. این عمل، بیش از یک انهدام فیزیکی و نشان‌دهنده یک دگرگونی ایدئولوژیک بنیادین بود. نفی نفس سوزنکتیوو فردی برای تبدیل شدن به محملی برای بازتاب یک حقیقت متعالی. این همان هسته فلسفی است که بعدها در تمام آثارش، به‌ویژه روایت فتح، تجلی یافت. آوینی در مواجهه با سینما، به‌عنوان یک تکنولوژی غربی، با یک چالش نظری مواجه بود. او به دنبال راهی بود تا از این ابزار مدرن برای بیان حقایق معنوی و عرفان اسلامی بهره گیرد. آوینی معتقد بود که سینما در ذات خود می‌تواند حجاب و مانعی برای تقرب به حقیقت باشد، اما هنرمند متعهد می‌تواند با تهذیب نفس و تزکیه درونی، این تکنولوژی را اهلی کند و آن را به آیین‌های برای انعکاس حقیقت الهی تبدیل نماید، نه صرفاً ابزاری برای ثبت ظواهر مادی و دنیوی. نظریات او که در مجموعه مقالات «آینه جادو» و دیگر نوشته‌هایش مدون شده است، صرفاً یک نقد سینمایی نیست، بلکه بخشی از یک پروژه فکری بزرگتر برای نقد تمدن غرب و ارائه یک هنر متعهد و انقلابی است. درواقع پروژه آوینی را می‌توان یک پروژه ضدمدرنیته دانست. تحول فکری او پس از انقلاب، نه یک نفی ساده انگارانه مدرنیته، بلکه تلاشی برای به انقیاد درآوردن ابزارهای آن ذیل یک غایت‌شناسی غیرغربی و معنوی بود. نقد او بر غرب‌زدگی و جست‌وجویش برای کشف حقیقت، موضعی ضدمدرنیته نیست، بلکه ضدتقدس‌زدایی است. او می‌خواست از دوربین، به‌عنوان نماد مدرنیته استفاده کند، اما آن را از جهان‌بینی سکولار و سوزنکتیو ذاتی اش تهی کند. از این منظر، روایت فتح یک تلاش عملی برای خلق یک زیبایی‌شناسی ضد مدرنیته است؛ زیبایی‌شناسی‌ای که از ابزارهای مدرن برای بیان یک فلسفه پیشامدرن و معنوی بهره می‌گیرد. این موضع بسیار پیچیده‌تر از یک پروپاگاندای صرف است و یک پروژه فکری و هنری عمیق، هر چند ایدئولوژیک را به‌نمایش می‌گذارد.

▼ روایتی برای جنگ

شکل‌گیری گروه روایت فتح یک فرآیند تدریجی و ارگانیک بود که ریشه در نهاد‌های انقلابی داشت. این گروه از دل «گروه تلویزیونی جهاد» بیرون آمد که در سال ۱۳۵۸ برای مستندسازی فعالیت‌های عمرانی و جهادی در روستاها تأسیس شده بود. آوینی و همکارانش در ابتدا به‌عنوان نمایندگان جهاد سازندگی به تلویزیون آمدند و با شروع جنگ، تمرکز این گروه به‌طور طبیعی به سمت جبهه‌ها معطوف شد. آنها در خلال ثبت فعالیت‌های پشتیبانی و مهندسی جهاد در جبهه، با سوزه اصلی خود، یعنی حضور خالصانه رزمندگان و بسیجیان داوطلب مواجه شدند. مجموعه روایت فتح به‌طور رسمی از فروردین‌ماه ۱۳۶۵ پخش خود را آغاز کرد و در طول فعالیت خود بیش از ۷۰ برنامه تولید نمود. اهمیت و تأثیرگذاری این مجموعه به‌حدی بود که در سال ۱۳۷۱، با دستور رهبر انقلاب و حمایت نیروی مقاومت بسیج، بنیاد فرهنگی روایت فتح تأسیس شد تا این شیوه تولید را نهادینه کرده و میراث آن را حفظ کند. این بنیاد که مستقیماً زیر نظر سپاه پاسداران اداره می‌شود، تا به‌امروز یکی از اهداف اصلی خود را «تبیین منظومه فکری شهید سیدمرتضی آوینی در تولید و ساخت فیلم مستند» اعلام کرده است.

این فرآیند، یک رابطه هم‌زیستانه میان نهاد و ایدئولوژی را آشکار می‌سازد. گروه روایت فتح از خلا به وجود نیامد، بلکه از یک نهاد دولتی-انقلابی (جهاد سازندگی) منشعب شد که هدف اولیه‌اش مستندسازی فعالیت‌های دولت بود. جنگ، موضوعی جدید و عمیق‌تر فراهم آورد که با نیازهای ایدئولوژیک نظام انقلابی همسو بود. بینش فلسفی و منحصر به‌فرد آوینی به این مستندسازی، فرم زیبایی‌شناختی و معنوی قدرتمندی بخشید. نظام حاکم نیز با درک قدرت اثر فرم هنری، نقش آن را به‌عنوان مهم‌ترین روایت تصویری از جنگ هشت‌ساله تثبیت نمود. این یک چرخه‌خوار خودی را نشان داد که نهاد، خلق هنر ایدئولوژیک را ممکن ساخت و موفقیت آن هنر، به‌نوبه خود، قدرت و مشروعیت نهاد را تقویت کرد.

تحلیل فرمالیستی مجموعه روایت فتح نشان می‌دهد که چگونه انتخاب‌های فنی و روایی آن به‌طور مستقیم با چارچوب فلسفی پیوند خورده است. هر عنصر، از گفتار متن تا تدوین، در خدمت یک هدف واحد، یعنی فراتر رفتن از واقعیت ظاهری و رسیدن به یک حقیقت باطنی و معنوی قرار دارد.

شاخص‌ترین و متمایزترین ویژگی روایت فتح، نریشن (گفتار متن) آن است که توسط خود آوینی نوشته و اجرا شده است. این روایت، در چارچوب نظر‌های مستند، در دسته «روایت دانای کل» قرار می‌گیرد؛ روایتی که از موضعی برتر، تصاویر را برای مخاطب تفسیر می‌کند. اما دانای کل آوینی با نمونه‌های کلاسیک آن تفاوت بنیادین دارد. این صدا نه با لحن بی‌طرف و مقتدر یک گزارشگر خبری، بلکه با لحنی صمیمی، شاعرانه، عرفانه و فلسفی سخن می‌گوید.

نثر آوینی در این گفتارها به‌شدت ادبی است و از استعاره، تمثیل و آهنگی موزون برای تعالی بخشیدن به رویدادهای به تصویر کشیده شده بهره می‌برد. او با تلفیق روایت ادبی و تاریخی، سبکی منحصر به‌فرد و تأثیرگذار خلق می‌کند که بعدها به‌عنوان نمونه‌ای از ادبیات دفاع عقسم شناخته‌شد. از منظر تحلیل گفتمان، این روایت، صحنه اصلی حک کردن ایدئولوژی است. جنگ در این گفتمان، نه یک منازعه سیاسی یا ملی، بلکه یک مبارزه متافیزیکی میان حق